

محوربندی فضایی، سیر تجلی وحدت در کثرت در معماری خانه‌های سنتی شوشتر (مطالعه موردی: خانه امین زاده و خانه گازر)*

مهندس علیرضا تقی زاده**، دکتر ویدا تقوایی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۰۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۱۱/۰۷

چکیده

وحدت در هماهنگی و انسجام عالم کثرت به انحاء مختلف در بناهای ارزشمند معماری ایرانی-اسلامی از جمله خانه‌های سنتی ایرانی بروز داشته که از ویژگی‌های بارز آن می‌توان، به اصل محوربندی فضایی اشاره کرد که به طرق مختلف در معماری خانه‌های سنتی شوشتر نمایان گردیده است.

روش تحقیق این پژوهش ترکیبی است که با استفاده از رویکرد کیفی و با به‌کارگیری روش تحلیل محتوایی دربرگیرنده بن‌مایه‌های نظری اسلامی همچون اصل وحدت‌ها است. در حوزه دوم، معماری خانه‌های شوشتر مطابق با مبانی نظری پژوهش به‌صورت یک جدول مورد تحلیل قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد که تک لایه بودن بنا به‌عنوان عامل گرمایی، از خصوصیات بارز محور اصلی خانه‌های شوشتر بوده که سبب گشته ایوان شادابی به‌عنوان یک فضا با عملکردهای گوناگون از جمله، اقلیمی، زیستی و ارتباطی در راستای محور اصلی خانه مطرح گردد.

واژه‌های کلیدی

اصل وحدت، وحدت در کثرت، محوربندی فضایی، خانه‌های سنتی شوشتر.

*این مقاله برگرفته از درس مقطع دکتری زبان مشترک معماری و سایر هنرها نگارنده اول تحت راهنمایی نگارنده دوم است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز به پایان رسیده است.

** دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، اهواز، ایران. (مسئول مکاتبات)
Email: Ali_taghizadeh65@yahoo.com
*** دانشیار دانشکده فنی حرفه‌ای دکتر شریعتی، واحد تهران، تهران، ایران.
Email: Taghvaei@shariaty.ac.ir

۱-۱- مقدمه

حوزه دوم معیارها و شاخص‌های محوربندی فضایی در سازمان فضایی معماری خانه‌های شوشتر را شامل می‌شود. روش تحقیق این پژوهش ترکیبی است که با استفاده از رویکرد کیفی و با به‌کارگیری روش تحلیل محتوایی به تحلیل نظام‌مند متون و نوشته‌ها پرداخته است. در این روش، مطالعات کتابخانه‌ای، ابزار گردآوری اطلاعات نظری بوده که بر این اساس، مفاهیمی همچون محوربندی فضایی تجلی اصل وحدت به‌عنوان بن‌مایه‌های نظری پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته است. در حوزه دوم، معماری خانه‌های شوشتر از جمله خانه امین زاده و گازر مطابق با مبانی نظری پژوهش از جمله، محوربندی فضایی، به‌صورت یک جدول تبیین و مورد تحلیل قرار گرفته است. در عین حال از جداول، عکس‌ها و تصاویر گرافیکی و نمودارها نیز برای ارائه یافته‌ها استفاده می‌شود. در ادامه مقاله در ابتدا به اصل وحدت پرداخته و ساختار و انواع این اصل و نحوه تبلورش در معماری را مورد بررسی قرار خواهیم داد. سپس مفهوم سیر از کثرت به وحدت بررسی شده و در انتها به بازتاب این اصل در معماری خانه‌های سنتی دوره قاجار در شهر شوشتر پرداخته می‌شود.

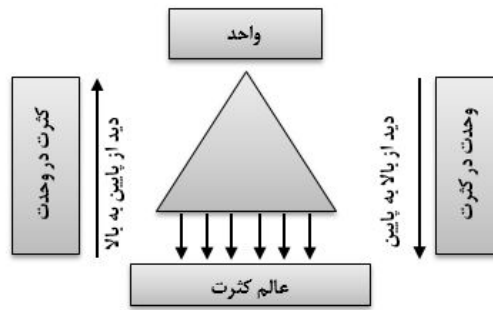
۱-۲- وحدت در اسلام

مفهوم وحدت را می‌توان در توحید جست، توحید از باب تفعلیل، یا به معنای تکثر در فعل است به معنای قرار دادن غایت وحدت و نهایت بساطت و یا به معنای انتساب از باب مفعول به معنای نسبت به وحدانیت (امام خمینی، ۱۳۸۰، ۶۵۰). وحدت آن است که مبدأ حصول کثرت شود و وحدت چیزی است که در جهت واحد بودن قسمت پذیر نباشد و این نیز تعریفی شی‌ای به نفس باشد (الهی قمشه‌ای، ۱۳۶۳، ۲۰). «چنین وحدتی در تمامی ابعاد زندگی امت اسلامی ریشه دارد (شریعتی، ۱۳۸۸، ۲۵۵). مفهوم وحدت مانند توحید، نخست یک عمل ذهنی است که عبارت است از تجرید و القاء تشخصات و خصوصیات یک حقیقت. وحدت همچون حقیقتی است مافوق امور مادی و تجرید شده توسط ذهن و هیچ‌یک از خواص و کیفیات و کمیات و اشکال جهان عینی نمی‌توانند به آن راه پیدا کنند (جعفری، ۱۳۹۰، ۱۱۰-۱۰۹). وحدت‌بخش بودن بدین معنی است که همه اجزاء در پرتو یک هدف ویژه، جایگاه و نقش و معنی و مفهوم پیدا کنند. در این صورت است که اجزای کثیر، نماد وحدت می‌شوند و وحدت از دل کثرت برمی‌آید.

اصل وحدت به کثرت و کثرت به وحدت در اسلام

بر اساس عرفان اسلامی وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت عبارت است از: انحصار وجود در خداوند که از غایت وسعت

یکی از گرایش‌های شاخص معماری ایرانی- اسلامی نمود وحدت در کثرت است که به‌وضوح می‌توانیم این مفاهیم را در خانه‌های سنتی در رابطه خاص بین جزء و کل معنی کرد؛ یعنی در معماری ایرانی- اسلامی هر عنصر، فرم یا فضا، هم به‌صورت منفرد قابل‌درک است، هم به‌صورت ترکیبی و مفهومی که نمود بارز آن در سازمان فضایی خانه‌های ایرانی مشهود است. بر این اساس «شکل‌گیری معماری مسلمین نیز از این اصل اساسی جدا نبوده و هدف کلیه آفرینش‌ها مقدم بر هر چیز خدمت به تکیه‌گاه‌های تفکر برای ادراکی پردامنه‌تر است و همین امر علت وجودی و سبب هرگونه فرم، نمادگرایی و تمثیل است» (گنون، ۱۳۷۴، ۴۹). از عواملی که سبب ایجاد وحدت در نظام هستی است، سازمان فضایی خانه‌های تاریخی است که بر این مبنا، «نظام فضایی معماری که ملهم از نقشه پنهان نظام فضایی عالم بود، ویژگی سلسله‌مراتب مفهومی داشت. این ویژگی هم در مقیاس کلان، هم در فضای معماری و هم در اجزا و عناصر آن برای اجرای بهتر و اصولی‌تر مورد استفاده قرار می‌گرفت. انواع این نظام شامل مرکزی و محوری بود و ساختار سه‌گانه جهت‌گیری، مرکزگرایی و محوریت عمودی به نمایش می‌گذاشت» (تقوایی، ۱۳۹۴). فلامکی دو تعبیر از آنچه در معنا و مفهوم محور فضایی درون یک خانه ایرانی- اسلامی وجود دارد را این‌گونه بیان می‌کند: «یکی از طریق قرینه‌سازی کالبدی و متکی بر اندازه‌ها و فاصله‌ها و تناسب‌هایی که در دو سمت خطی که می‌خواهند نمایانگر محوری یگانه باشد و می‌تواند، آنچه به قید نظم در نقطه‌ای از راه به دست می‌دهد را در نقاطی دیگر نیز تکرار کند. دومی، نه بر اساس تقارن شکل‌ها که بر پایه تقارن معناها و مفهوم‌هایی که در دو سمت خطی یا راهی یگانه که عهده‌دار نمایش مفهومی معماری است، به دست داده می‌شود» (فلامکی، ۱۳۹۱، ۲۴۳-۲۴۴). در همین راستا، نقره‌کار بر این باور است که «تمرکز آفرینی و ایجاد آرامش فضایی با محوربندی کردن فضاها باز و نیمه‌باز و بسته انجام می‌گیرد. هسته‌های فضایی که برحسب شأن فضایی و نوع عملکرد آنها در ساختار هندسی بنا سامان می‌یابند» (نقره‌کار، ۱۳۸۷، ۶۰۴). بر ای باور، در بررسی خانه‌ها مسائل مهمی مطرح می‌شود که از میان آنها می‌توان به محوربندی فضایی و قرارگیری فضاها بر روی آن، اشاره نمود. از این‌رو مقاله بحث خود را در پاسخ به این پرسش‌ها طرح می‌نماید که «سیر از کثرت به وحدت به چه صورت در خانه‌های سنتی تجلی پیدا می‌کند و چگونه محوربندی فضایی می‌تواند عاملی وحدت‌بخش در سازمان فضایی خانه‌های سنتی شوشتر باشد؟». این پژوهش در دو حوزه انجام‌شده است، حوزه اول مباحث مربوط بن‌مایه‌های نظری اسلامی همچون اصل وحدت را در برمی‌گیرد.



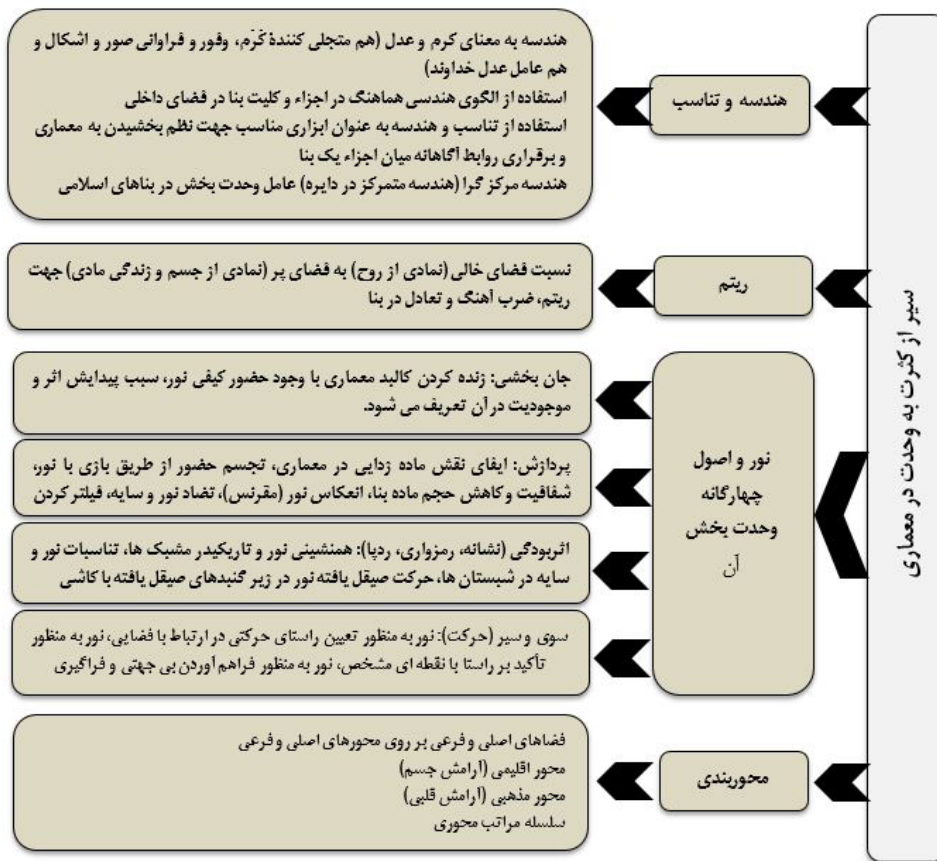
شکل ۱. تجلی سیر از کثرت به وحدت و بالعکس در نظام هستی.

در معماری ایرانی-اسلامی در هارمونی و هماهنگی متجلی است. بورکهارت بر این باور است که «معماری ایرانی-اسلامی به طرز کامل دارای بسیاری مفاصل و ظرایف بندبند است بی آنکه لزوماً کاربرد باشد در مفهوم جدید اصطلاح» (بورکهارت، ۱۳۹۲، ۱۶۳). لذا برای ایرانیان وحدت بیش از همه در هماهنگی متجلی است (گنون و همکاران، ۱۳۸۶، ۱۴۷). از نظر بورکهارت مقام وحدت در مرتبه صورت‌ها خودش را به مستقیم‌ترین وجه از حیث زیبایی ظاهر می‌سازد. به معنای دیگر وحدت صور امتزاج نقوش به صورت واحد گویای وحدت الهی است که خود عین زیبایی است (بورکهارت، ۱۳۸۶، ۱۶۵). به عقیده نصر، وحدت در معماری قدسی اسلام به نحوی غیرمستقیم، حضور را در فضاهای معماری پر می‌کند و انسان را به عنوان جانشین پروردگار مستقیماً در پیشگاه جلال احدیت قرار می‌دهد (نصر، ۱۳۷۵، ۵۹). این جملات دکتر نصر می‌رساند که در این دیدگاه بین جمال الهی و کثرت هم تناظری برقرار است و به این ترتیب هم توجه به عالم وحدت و آنچه مهم است حرکت از یک تجلی الهی به تجلی دیگر اوست. از دیدگاه بورکهارت، هنرمندی که بخواهد اندیشه وحدت وجود را نمودار سازد، سه وسیله در اختیار دارد: «یکی هندسه که وحدت را در نظم فضایی جلوه‌گر می‌سازد و دیگری وزن که وحدت را در نظم دنیوی و نیز غیرمستقیم در فضا نمودار می‌سازد و سوم روشنایی (نور) که نسبت آن با شکل‌های قابل‌رؤیت مانند وجود مطلق است به موجودات محدود» (بورکهارت، ۱۳۹۲، ۸۷) (شکل ۲). به سخنی دیگر این تناسب و نظم است که وحدت را در ابعاد گسترده متجلی ساخته و بانظم شگفت انگیزش هم‌زمان دو معنا را روایت می‌کند: «اولاً تجلی لایتناهی وحدت (دقیقاً به این دلیل که نظم خود وحدت‌آفرین و وحدت نما است) در نظم هندسی خود را نمودار می‌سازد و ثانیاً تقارن و تناسب بی‌ظنیری که کثرت را مبدل به وحدت می‌کند، چنانکه در وجود و حضور این قدر و توازن، خللی وارد شود، قطعاً تمثال و نمودار

و احاطه، سایر اشیا را نیز در بردارد (بلخاری قهی، ۱۳۹۰، ۲۱). در کثرت طولی وجود، حقیقت با حفظ وحدت و بساطت ذات، مراتب و درجات مختلفی پیدا می‌کند (رئیس سمیعی، ۱۳۸۴). به طوری که این مراتب و درجات شئونی از تجلیات همان حقیقت واحده می‌باشند؛ مانند نور که در عین وحدت دارای مراتب و درجات مختلفی است (صدرالمتالهین، ۱۳۵۳، ۱۴). ولی این طور نیست که مرتبه شدید نور مرکب از نور و چیز دیگری غیر از نور باشد و یا آنکه مرتبه ضعیف نور چیزی از حقیقت نور را فاقد باشد، یا با ظلمت که همان نبود نور است، آمیخته شده باشد (طباطبایی، ۱۳۷۹، ۸۷). عارف معتقد به تجلی یک حقیقت در عالم است، که به جلوات مختلف روی می‌نماید. این مراتب مبتنی بر تجلی یک «بود» و نه علیت ذومراتب است. کل عالم از یک جلوه و کرشمه او پیداشده است و همه کثرت ظاهری از لوازم همان وجود منبسط یا «حق مخلوق به» است (مطهری، ۱۳۶۹، ۱۲۹). بدین صورت است که اثر هنرمند مسلمان دارای خصوصیات بارزی است که او را از تعلقات دنیوی آزاد کرده و او را برای عروج مهیا می‌کند؛ که این عروج به وسیله وحدت امکان‌پذیر است. این وحدت وی را در ادامه راه هدایت می‌کند، به صورتی که وحدت در آثار وی حضور یافته و زمینه آن را فراهم می‌کند. پس هنرمند مسلمان با گذر از کثرت‌ها به وحدت نائل می‌آید (شکل ۱). بر این مبنا برای رسیدن به آرامش و وحدت در معماری ایرانی-اسلامی می‌توان از سازمان فضایی به عنوان عنصر وحدت‌بخش نام برد که رمز وحدت هستی در سراسر کثرت مراتب وجود به حساب می‌آید.

نمود تجلی وحدت در کثرت در معماری ایرانی-اسلامی

از دیدگاه بورکهارت، هنر اسلامی، تجربه‌ای زیبایی‌شناختی و غیرشخصی است از وحدت و کثرت‌های جهان که در این تجربه کلیه کثرت‌ها در حوزه‌ی نظمی بدیع به وحدت تبدیل می‌شود. وحدت



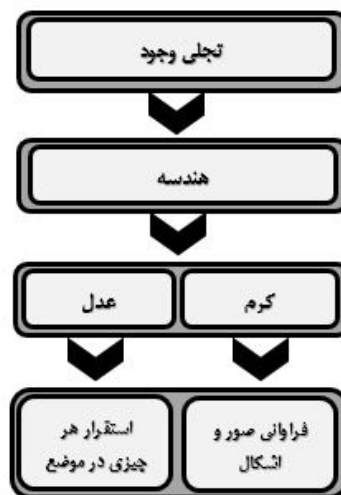
شکل ۲. عوامل اثرگذار بر ساختار نظام فضایی معماری ایرانی-اسلامی، در جهت سیر از کثرت به وحدت در نظام عالم.

وحدت نخواهد بود» (بلخاری قهی، ۱۳۹۰، ۳۹۷) (شکل ۳).
 متجلی کننده کرم، وفور و فراوانی صور اشکال است» (تقوایی، ۱۳۸۵) (شکل ۴).

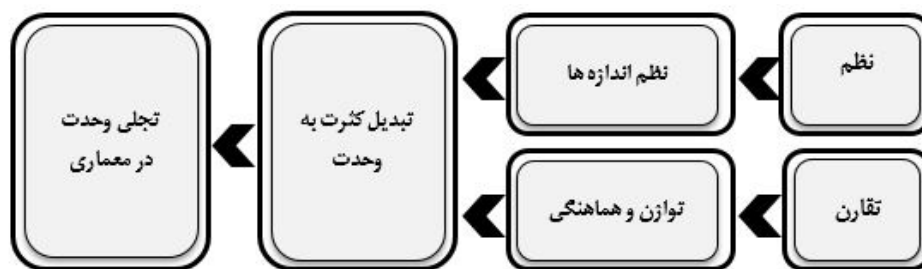
سازمان فضایی در معماری ایرانی-اسلامی

سازمان فضایی معماری، یک نقشه پنهان معماری، در راستای نظم بخشیدن به ساختار کالبدی و غیر کالبدی معماری است (تقوایی، ۱۳۹۴). در سازمان فضایی به تعریف، ترکیب و تمایز فضا در بنا پرداخته می‌شود و افراد از چگونگی حضور در فضا آگاهی می‌یابند (حائری مازندرانی، ۱۳۸۸). نگاه عرفانی اردلان به فضا که آن را دارای رکن باطنی می‌داند به جنبه‌های دیگر فضای معماری نیز نظر دارد. فضای کیفی که جای دهنده جسم انسان است مانند ظرفی است که این فضا با عالم کیهانی پیوند می‌خورد و دو عالم کبیر و صغیر در آنجا به هم متصل می‌شوند. با این نگاه کیفی به فضا کاربردی کمی آن در جهت ایجاد یک فضای مثبت و زنده وار مشخص می‌شود. بر اساس این تعریف واژه‌شناسی فضای معماری اردلان شکل می‌گیرد: تداوم فضایی، فضای مواج، فضای مثبت، فضای بی‌مانع، سازمان‌دهی

بر این اساس، این هندسه است که بر کلیت یک اثر معماری تأثیر می‌گذارد و می‌تواند سبب ایجاد سازمان‌دهی ساختاری و وحدت بصری شود. تجلی لایتناهی وحدت، در نظم هندسی نمود پیدا می‌کند و آنچه سبب حرکت از کثرت به سوی وحدت می‌شود، وجود قدر و توازن است. «حسن‌زاده املی از آیه «انا کل شیء خلقه بقدر» (حسن‌زاده املی، ۱۳۷۷، ۵۹۴) به معنای ما هر چه آفریدیم به اندازه (و بر وفق حکمت و مصلحت) آفریدیم، نتیجه می‌گیرد که خود کلمه خلق به معنای «ایجاد اندازه است» (حائری یزدی، ۱۳۶۰). با گذری کوتاه در منابع قرآنی-اسلامی مشخص می‌شود که کلمات قدر، هندسه و اندازه معانی و مفاهیم یکسانی را متبادر می‌کنند (تقوایی، ۱۳۹۴، ۶۹). پس کلمه قدر همان هندسه مقدس است. بر این اساس، «هندسه منبعث از قدر الهی، با استقرار هر «چیز» در موضع درست خودش، تجلی واحد را به کثیر اندازه‌های ممکن پیوند می‌زند. اندازه‌هایی که نوعی صورت بخشی و تعیین موافق با شرایط و ظرفیت‌های وجودی هر موجودی است. لذا، هندسه در معنای حد و اندازه هم عامل عدل خداوند و هم



شکل ۳. معانی تناسب و نظم، که وحدت را در ابعاد گسترده متجلی ساخته است.



شکل ۴. تجلی وجود به صورت هندسه منبعث از قدر الهی که هم عامل عدل خداوند و هم متجلی کننده کرم، وفور و فراوانی صور اشکال است. اشکال است.

و محوریت عمودی است» (تقوایی، ۱۳۹۴، ۱۷۳-۱۷۲) (شکل ۵). همان‌طور که در قسمت‌های قبل اشاره شد، از عوامل گوناگونی در سازمان فضایی معماری ایرانی-اسلامی که سبب ایجاد وحدت در نظام هستی شده و کثرت‌ها را به وحدت رهنمون می‌سازد را می‌توان به هندسه و تناسب، نور و رنگ، تزیینات و محوربندی فضایی نام برد. این عوامل بر ایجاد وحدت بصری و سیر از کثرت به وحدت در معماری ایرانی نقش بسزایی دارند که این عوامل در هماهنگی و انسجام عالم کثرت و در نظم و توازن انعکاس می‌یابد. حال با توجه به سؤال اصلی این پژوهش، تأثیر محوربندی فضایی بر نحوه قرارگیری فضاهای اصلی در سازمان فضایی خانه‌های شوشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اصل محوربندی فضایی نمود وحدت در سازمان فضایی خانه ایرانی-اسلامی

سازمان فضایی به‌عنوان حلقه واسطه وجه ملموس و غیرملموس معماری، سازمان‌یافتگی و الگوی فضایی بوده است که واقعه‌ها و عملکردهایی که «هست بودن» در آن تحقق می‌یافت را قابل حصول

مرکزگرایانه فضا و نظام‌های فضایی (معماریان، ۱۳۸۴، ۴۹۱). بدین ترتیب، سازمان فضایی در معماری ایرانی-اسلامی، ارتباط چندجانبه فضاها با یکدیگر است. بر اساس چنین شیوه‌ای از تعریف و ترکیب فضا، امکان تجربه‌های گوناگون برای حضور آدمی فراهم می‌شده است. بر این اساس، اصل اساسی در سازمان فضایی در مقیاس خرد و کلان یکسان بوده و بر اساس همین اصل، معماری و شهرسازی از وحدت و هماهنگی برخوردار بوده‌اند. تقوایی، ساختار نظام فضایی در درک معماری ایرانی-اسلامی را این‌گونه تفسیر می‌کند: «ساختار نظام فضایی معماری، مبتنی بر ویژگی‌های این نظام فضایی به روابط، نسبت‌های کمی و کارکردهای مادی محدود نمی‌شود. این نظام ساختاری را در معماری مطرح می‌کند که عملکردهای مختلف در آن تحقق می‌شود. حدود و هندسه‌ای که نظام فضای معماری شهودی را می‌سازد و از آن طریق به تمایزات می‌پردازد بر اساس محدوده وجود انسان و ارتباط بی‌واسطش با جهان ماورا و نظام حاکم بر جهان وجودی انسان شکل می‌گیرد. جهاتی که در نظام فضایی معماری ایرانی-اسلامی تبیین شده و در مقایسه با نظام عالم دارای ساختار «جهت‌گیری، مرکزگرایی



شکل ۵. بررسی ساختار نظام فضایی معماری ایرانی- اسلامی با بهره‌گیری از الگوی نظام عالم

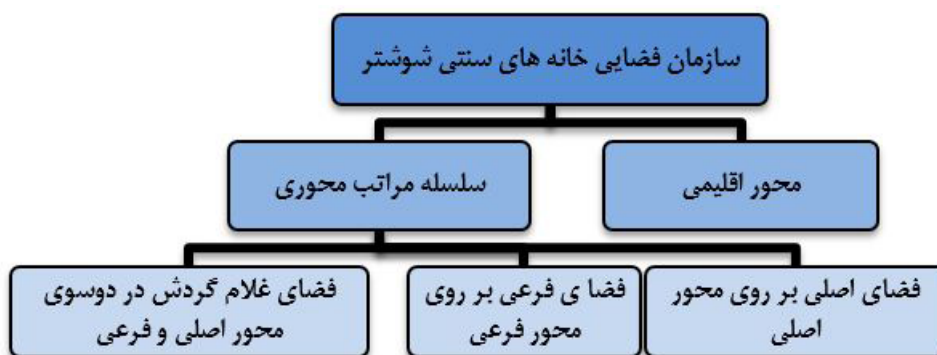
به فضاهای مختلف در دو سوی این محورها می‌گردد.

پهارچوب نظری تملیل نقش محور در سازمان فضایی خانه‌های سنتی شوشتر (خانه امین زاده و خانه گازر)

پس از پی‌جویی موضوع و تحلیل کتابخانه‌ای بن‌مایه‌های نظری موجود در زمینه وحدت در هنر و معماری اسلامی و اصل محوربندی فضایی به اهمیت و نقش محور در سازمان فضایی معماری سنتی ایرانی دست‌یافتیم. به‌گونه‌ای که در بناهای دوران اسلامی، رعایت محورهای فضایی، اقلیم (جهت مادی)، جایگزینی فضاهای اصلی بر روی محورهای اصلی و قبله به‌عنوان (جهت و مرکز قانونی اسلام)، چارچوب اصلی سازمان فضایی بناهای ایرانی-اسلامی از جمله خانه‌های سنتی را تشکیل می‌دهد. علی‌ایحال با تکیه بر این بن‌مایه‌های نظری و بر اساس مؤلفه‌های مستخرج، به بررسی و تحلیل خانه‌های امین زاده و گازر شوشتر در چارچوب نظری فوق پرداخته می‌شود. این چهارچوب نظری در شکل ۶، قابل‌بررسی و بیان هستند.

در معماری سنتی شوشتر، فضاهای واحد مسکونی در کنار هم چیده می‌شوند و بر ترتیب قرارگیری آنها نظام خاصی حاکم است که ناشی از شیوه زیست، نحوه معیشت و تولید، سازگار ساختن فضای مسکونی با اقلیم و موقعیت و ابعاد زمین است. «بدین‌صورت، مصالح مشابه، تبعیت از نظام ساخت و سازمان‌دهی همسان، الگوهای یکسان در نماها و انواع فضاهای واحد مسکونی، وحدتی را بین مجموعه واحدهای مسکونی پدید می‌آورد. بدین‌سان در یک مجموعه در عین وحدت، کثرت و در عین کثرت وحدت شکلی پدید می‌آید» (اهری و امینی جدید، ۱۳۷۱، ۱۶). همچنین از دیگر ویژگی‌های شهر شوشتر، تأثیر خصوصیات آب و هوایی شهر در شکل‌گیری بومی آن است. عامل گرمایی مهم‌ترین و مؤثرترین عامل در شکل‌گیری ساختمان‌های مسکونی شوشتر که

می‌کند. نظامی که بایدها و نبایدهای الگوهای حرکت و زندگی را نیز فراهم می‌ساخت. این نظام چیزی فراتر از عملکردگرایی را به ذهن متبادر می‌سازد. سازمان فضایی معماری ایرانی اسلامی که با برداشت و الگوپذیری از ساخت و نظام فضایی عالم شکل می‌گرفت، انواع و ساختاری سه‌گانه داشته است. انواع آن شامل، سلسله‌مراتب مفهومی، مرکزی و محوربندی بوده است. نظام فضایی محوری، شامل نظام فضایی است که در آن فضاهایی در اطراف یک محور افقی شکل پذیرفته‌اند. «منظور از محور فضایی، خطی ذهنی بین دو نقطه یا دو عملکرد است. محورها دارای دو ویژگی بارزش هستند: یکی خطی و دیگری دارای بعد هستند. ویژگی دیگر آنها جهت‌دار بودن آنهاست. محورها همواره در امتدادی مشخص جهتی به وجود می‌آورند که و همه‌چیز را به آن سمت فرامی‌خوانند. مسیر حرکت، جهت و نگاه انسان در بنا همواره تحت تأثیر این دو ویژگی بارزش قرار می‌گیرد» (نوایی و حاجی قاسمی، ۱۳۹۰، ۶۰). این معیارها به‌طور کامل تجلی تبلور اصل وحدت می‌باشند و ناظر به اتصال، پیوستگی بساطت و یکرنگی هستند. در نظر گرفتن مفهوم فضای مثبت ما را به اصلی رهنمون می‌سازد که بسیاری از محققان آن را ذکر کرده‌اند؛ بنابراین، «حضور همیشگی یک محور ارجح- از نقطه ورود تا رسیدن به قلب و قطب بنا- احساس می‌شود. این محور هم بار ذهنی دارد و نیز بر موجودیت‌های کالبدی و ساختاری متکی است» (فلامکی، ۱۳۹۱، ۲۳۵). بر این مبنا، فضاها در محور فضایی خانه‌های ایرانی- اسلامی، هر یک به کاربری تعریف‌شده‌ای اختصاص می‌یابند و حرکت در درون این فضاها و دیدهای مختلف در این محور، سبب بار معنایی خاصی می‌شوند و احساسی خاص را برانگیزند. همچنین به‌واسطه ترکیب و بسط کاربری‌های یکسان با اندازه‌های متفاوت، سبب شکل‌گیری کاربری‌های ثانوی و فرعی می‌شود که محور اصلی یا فرعی را از خشکی و یکنواختی می‌کاهد و سبب ایجاد تنوع و افزایش حس تعلق



شکل ۶. مؤلفه‌های تحلیل محور فضایی در سازمان فضایی خانه‌های سنتی شوشتر

هر جزء فضای آن را به مختصات متعالی آن متصل می‌سازد. پس می‌توان این‌گونه بیان نمود که یکی از ویژگی‌ها خانه‌های سنتی، شیوه جهت‌یابی فضایی آن است که معماران سنتی به آن «رون» می‌گفتند. این شیوه به همراه «سازمان فضایی خانه سبب می‌گردد که فضاها در مقابله با سرما و گرما بر روی محورهای بنا جانمایی شوند. حیاط به‌عنوان مهم‌ترین عامل تهویه هوا محسوب و فضاهای اصلی در دو سوی محور حیاط سازمان‌دهی می‌شدند» (حائری مازندرانی، ۱۳۸۵). معماران ایرانی به این نکته دست‌یافته بودند که فضاهای پشت به آفتاب و رو به آفتاب باید در دو سوی محور اصلی بنا قرار گیرند. هم‌زمان سعی نمودند این محور اصلی را با سوی قبله هماهنگ کنند. محور اصلی هندسی بنا محوری است که باشندگان را به خانه خدایشان پیوند می‌داده است (معماریان، ۱۳۸۴، ۴۰). لذا، برای پاسخگویی به نیازهای اقلیمی در شوشتر، استقرار فضاهای نیمه‌باز در قسمت‌های مختلف حیاط و قرارگیری بخش اصلی ساختمان رو به شمال امکان بیشترین میزان سایه فراهم و از جذب گرمای تابشی در ایام گرم جلوگیری می‌کند. با بررسی در بناهای بافت سنتی شوشتر درمی‌یابیم که جهت غالب بناها ۲۵ تا ۳۵ درجه چرخش نسبت به محور شمال و کشیدگی با در راستای شمال شرقی - جنوب غربی با تناسب ایوان، طول به عرض ۲ است (جدول ۱). در محور اصلی بناها در شوشتر دو گونه فضای اقلیمی قرار داشته

به گونه‌های مختلف از جمله ضخامت دیوار در قالب یک عایق حرارتی که جزء عملکرد احساسی و زیباشناختی، راه‌حلی برای ایجاد سایه بر دیوارهای بنا است، همه عناصری مؤثر در مقابله با عامل گرمایی و سازنده مجموعه‌های مسکونی در شوشتر است؛ بنابراین با توجه به آنچه گفته شد می‌توان به تحلیل و بررسی نقش محور در سازمان فضایی خانه‌های سنتی شوشتر از جمله خانه امین زاده و خانه گازر پرداخت.

محور اقلیمی (محور اصلی بنا در راستای جهت اقلیمی)

معمار سنتی، با توجه به شناخت وضعیت دشوار آب و هوایی و عناصر محیطی، به جهت مناسب اقلیمی توجه نموده است. خانه‌های ایرانی - اسلامی به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که در هر فصل و حتی در هر ساعت از روز می‌توان گوشه‌ای از خانه را یافت که در آن طبیعت سخت بیرون تبدیل به آرامش و آسایش جسمی درون خانه گردیده باشد «یکی از موارد همساز با طبیعت و اقلیم، شگردهای اقلیمی - همچون جهت‌گیری صحیح ساختمان است که می‌تواند در بسیاری موارد صرفه‌جویی قابل‌ملاحظه‌ای به همراه داشته باشد» (طاهباز، ۱۳۹۲، ۶۷)؛ بنابراین، جهت‌گیری، مختصات فضایی عینی و کرامند بنا را به مختصات ناکرامند آن می‌رساند. این ساختار با تعیین خطوط مقسم فضاها و مکان‌ها، نه فقط در شهر بلکه در مدارس، خانه‌ها و... بلکه

جدول ۱. جهت کشیدگی و زاویه چرخش ایوان در خانه امین زاده و گازر

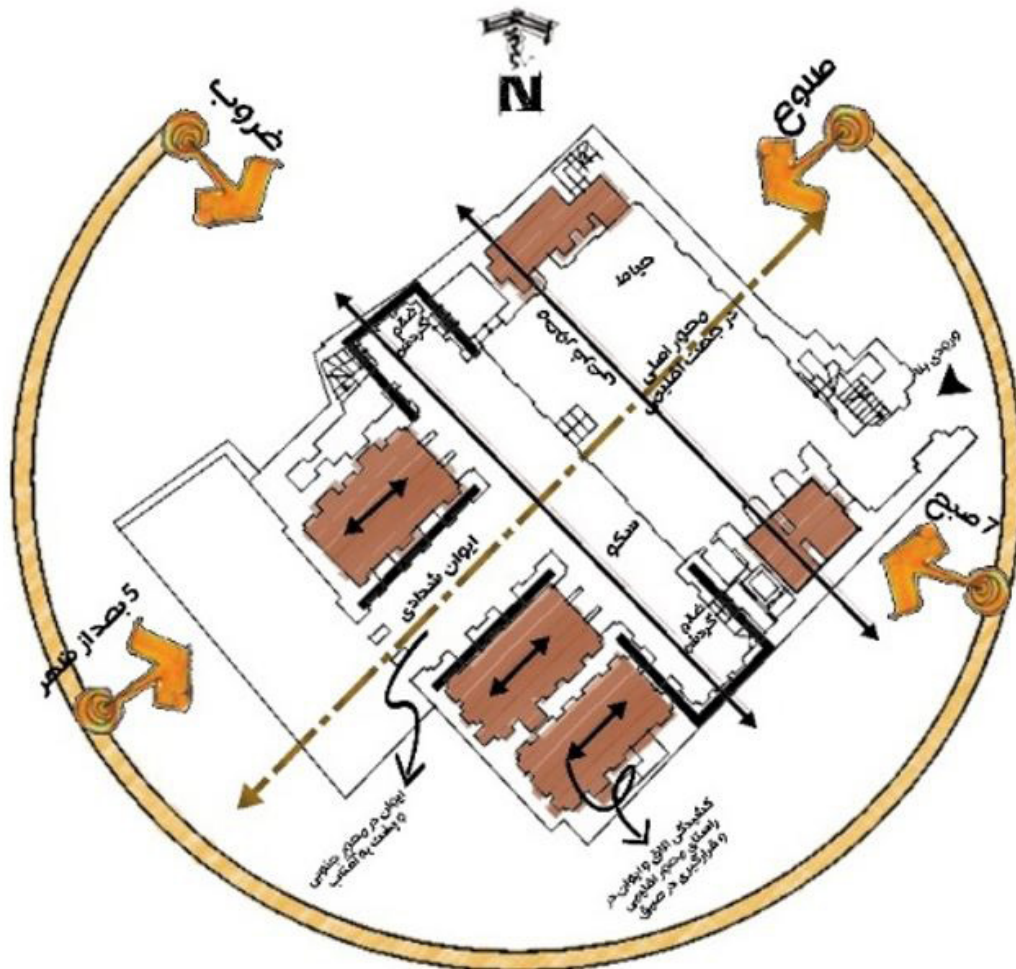
جهت کشیدگی و زاویه چرخش ایوان ششادای نسبت به محور شمال				
خانه	جهت قرارگیری	زاویه چرخش	طول به عرض ایوان	محور طولی ایوان عمود بر ضلع مجاور حیاط و واقع شدن در عمق، در راستای محور طولی بنا
امین زاده	جنوب غربی	۴۶	۲	
گازر	جنوب غربی	۵۲	۲	

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در خانه‌های شوشتر از رون راسته (شمال شرقی - جنوب غربی) استفاده می‌شده است. بدین سبب در مسکن سنتی شوشتر علاوه بر اینکه توجه به اقلیم و طبیعت اطراف وجود دارد به اعتقادات و باورها هم توجه داشته و آسایش و آرامش اصلی را در دین و در معنی مستتر می‌داند. ضمناً از لحاظ فضایی، علاوه بر موارد ذکر شده ایوان باعث ایجاد تنوع فضایی، تجربه خاص زیستی، خوانایی، تشخیص و تشخیص خانه، تمایز و درعین حال پیوستگی درون و برون می‌گردد.

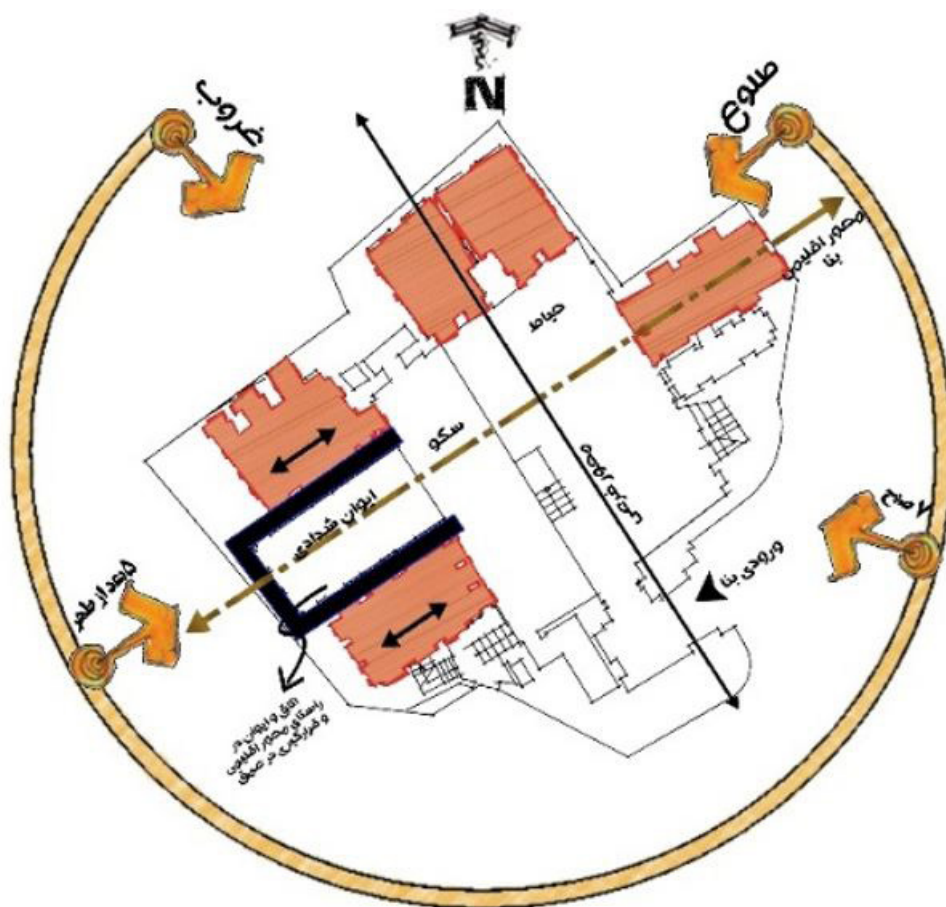
سلسله‌مراتب فضایی در محوربندی بنا

یکی از ویژگی‌های محور فضایی در معماری ایرانی نظام سلسله‌مراتب است که فضاها را بر اساس اهمیت در کنار یکدیگر قرار می‌دهند. دکتر نصر در این باره چنین بیان می‌دارد: «نقش علوم جهان شناختی اسلامی در جای دادن انسان در سلسله‌مراتب کیهانی از طریق آن جنبه‌های

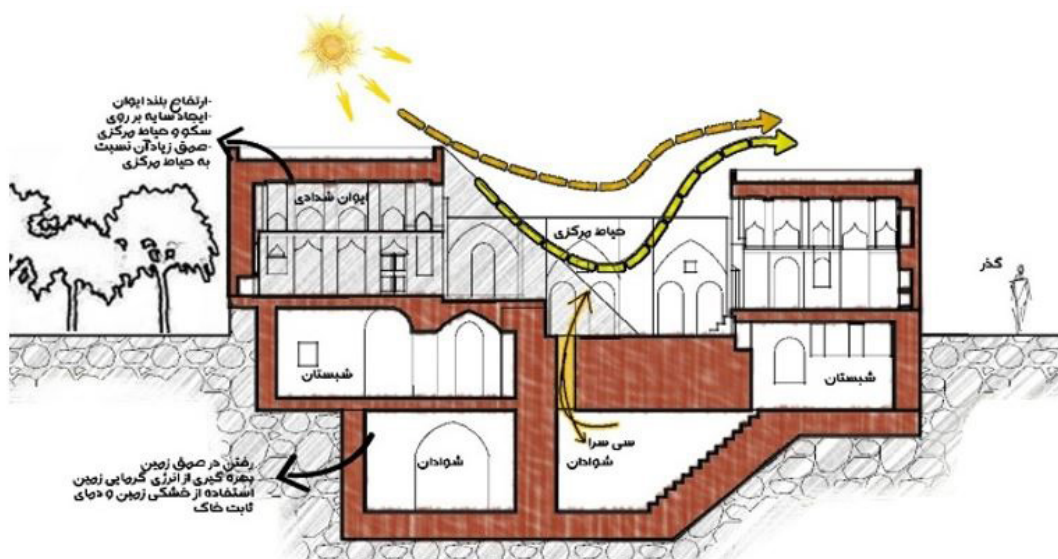
که شامل ایوان شادادی^۱ و سکو است. در این خانه‌ها، در اغلب موارد ایوان رو به شمال شرق و یا شمال غرب در نظر گرفته می‌شود و این بهترین جهت برای استفاده از فضای ایوان در فصول گرم است. برای اینکه ایوان و فضاهای داخلی خنک‌تر باشند، محور طولی فضا عمود بر ضلع مجاور حیاط است؛ یعنی فضاها عمق بیشتری داشتند. ایوان شادادی در این خانه‌ها از فضاهای اصلی عملکردی و به‌ویژه در فصل گرما است و شامل کاربری‌های زیر می‌شود: خواب شبانه، کارخانه، پذیرایی از مهمان، صرف شام و صبحانه، فضای عبور و ارتباط مابین اتاق‌ها، استفاده از چشم‌انداز به حیاط و آسمان. ایوان و سکو در خانه امین زاده رو به شمال شرقی است که از یک سمت دید و منظری به سمت حیاط و سکو و از سمت دیگر دید مناسبی به حیاط پشتی دارد؛ که وجود بازشو در دو طرف جهت تهویه اقلیمی کاملاً مناسب است. همچنین ایوان و سکو در خانه گازر نیز در جبهه جنوب غربی و رو به شمال شرقی و پشت به آفتاب جنوب است (شکل ۷ و ۸) و (شکل ۹).



شکل ۷. الگوی ایوان شادادی به‌عنوان فضای اقلیمی در محور اصلی خانه امین زاده



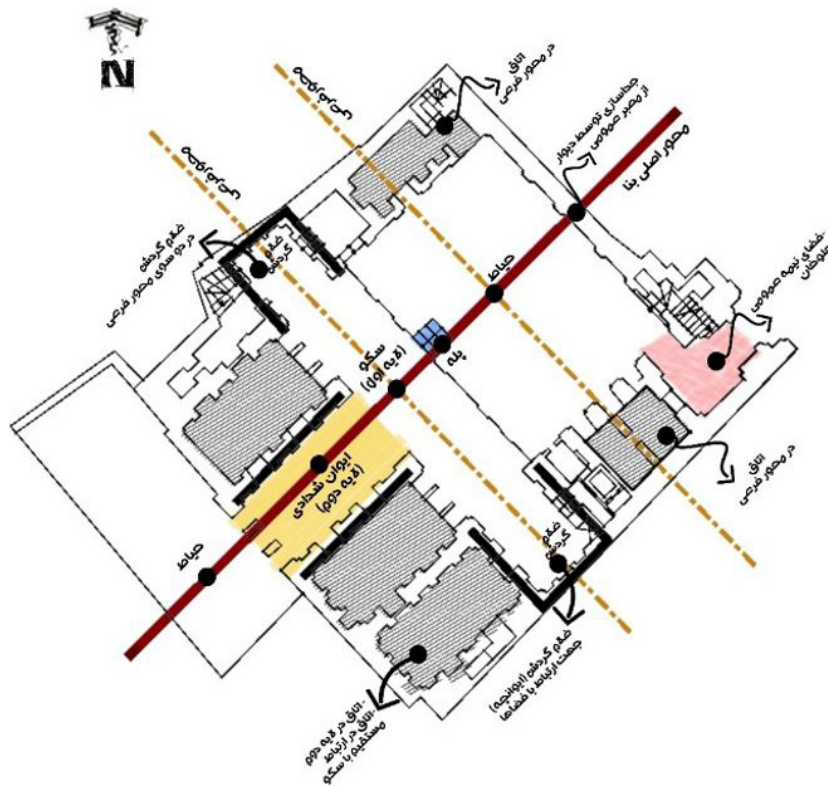
شکل ۸. الگوی ایوان شادادی به‌عنوان فضای اقلیمی در محور اصلی خانه گازر.



شکل ۹. برش طولی از حیاط مرکزی خانه گازر و نمایش فضاهای اقلیمی آن در سطوح مختلف

سلسله‌مراتب عملکردی عبوری محله‌ای و منطقه‌ای سبب شکل‌گیری چنان ساختارهای کالبدی فضایی گشته است که مهم‌ترین ثمره آن محرمیت، شکل‌گیری حریم‌های فضایی و تفکیک قلمروهای متفاوت با وجود پیوستگی فضایی است که اردلان از آن تحت عنوان سلسله‌مراتب هم‌بندی‌های فضایی نام می‌برد (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰) و همین سلسله‌مراتب را در قالب و کالبد خانه‌های ایرانی به‌عنوان جزئی از معماری ایرانی می‌توان مشاهده نمود؛ بنابراین از خصوصیات محور در خانه‌های شوشتر، اهمیت سلسله‌مراتب دسترسی است که نقش بسیار مهمی در تعریف اجزا و کل مجموعه ایفا نموده و به آن هویت می‌بخشد. در خانه‌های امین زاده و گازر، ارتباط حیاط با فضای سکو از طریق چند پله صورت می‌گیرد و ایوان، از نظر سلسله‌مراتب دسترسی، در لایه دوم بعد از حیاط قرار دارد که خود نقش فضای بینابین را بازی می‌کند (شکل ۱۰ و ۱۲). همچنین از سکو نیز می‌توان به‌صورت مستقیم به اتاق‌ها راه یافت. الگوی سلسله‌مراتب دسترسی در این خانه‌ها را می‌توان به دو صورت (فضای باز، فضای باز، فضای نیمه‌باز، فضای بسته) و (فضای باز، فضای باز و فضای بسته) بیان نمود. در خانه‌های مذکور، دسترسی به اتاق‌ها از طریق ایوان (فضای نیمه‌باز) یا سکو (فضای باز) صورت می‌گیرد. در عین حال حدفاصل بین اتاق و ایوان با حیاط، سکو به‌عنوان فضای باز قرار می‌گیرد. سکو نیز به‌وسیله

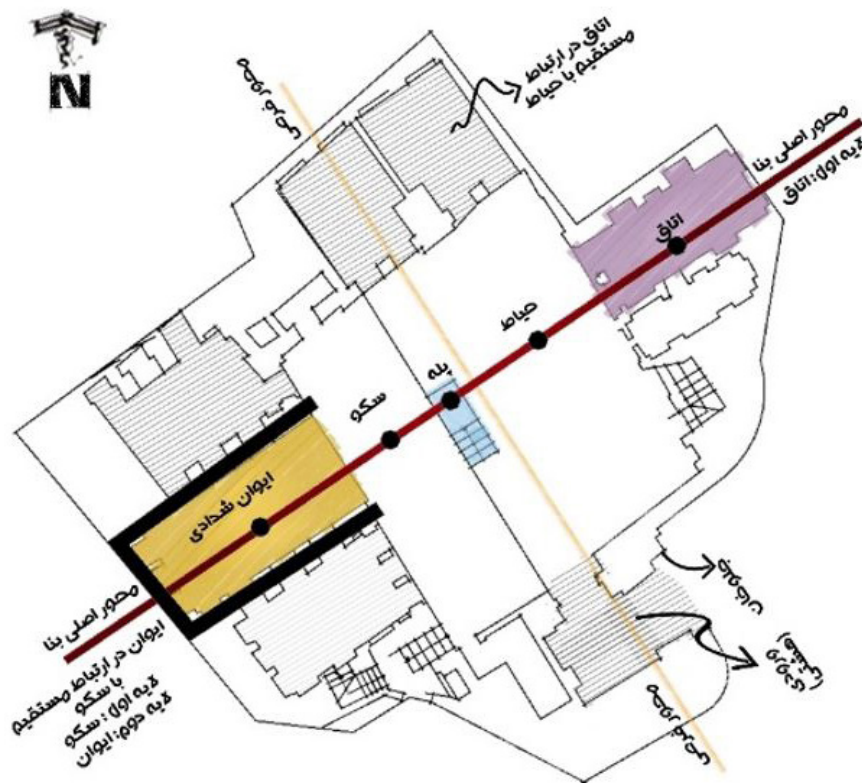
این علوم صورت می‌گیرد که با ساختمان سلسله‌مراتبی جهان و انسان و تناظرها و روابط طرفینی آنها سروکار دارد که همه آنها اشاره به حقیقتی است که در ماورای سلسله‌مراتب جهان کبیر و در مرکز جهان صغیر جایگزین است. از طریق تحقیق و مطالعه و سرانجام آزمودن این سلسله‌مراتب است که انسان از منزلگاه زمینی خود که این علوم از آنجا آغاز می‌شود و به عرش روحانی صعود می‌کند» (نصر، ۱۳۷۹). این اصل، اصل بنیادینی است که تجلی آن را در مراتب خلقت نیز می‌توان مشاهده کرد (نقی زاده، ۱۳۸۲، ۵۸). ویژگی سلسله‌مراتب خلقت در پنج حضرت توسط بسیاری از اندیشمندان با سیر از والاترین به پست‌ترین در قوس نزولی و مسیر عکسش در قوس صعودی، الگوی طراحی در نظام معماری و شهرسازی اسلامی قرار گرفته است (تقوایی، ۱۳۸۶، ۴۹). ملاصدرا نیز این مراتب را در سه مرتبه محسوس، متخیل و معقول دسته‌بندی کرده است (ندیمی، ۱۳۷۸). سلسله‌مراتبی که معماری و شهرسازی ایرانی از آن تبعیت می‌کند که برآمده از دل عرفان و سنت اسلامی است سلسله‌مراتبی که یادآور سه اصل شریعت و طریقت و حقیقت است و می‌توان آن را با عنوان اتصال و انتقال و وصول یادکرد. همان‌گونه که اردلان در این رابطه می‌گوید: کاربرد اصل سلسله‌مراتب در معماری سنتی ما، در حوزه‌های مختلف در معماری همانند سلسله‌مراتب فضایی و در شهرسازی همانند



شکل ۱۰. نحوه قرارگیری ایوان به‌عنوان فضای اصلی در محورهای اصلی و غلام‌گردش در محور فرعی - پلان خانه امین زاده



شکل ۱۱. نمایش سلسله‌مراتب دسترسی در محورهای اصلی و فرعی خانه امین زاده



شکل ۱۲. قرارگیری ایوان شادادی به عنوان فضای اصلی در محور اصلی و نمایش اتاق و ورودی در محور فرعی خانه گازر



شکل ۱۳. نمایش سلسله‌مراتب دسترسی در محورهای اصلی و فرعی - پلان خانه گازر.

جدول ۲. تجلی سلسله مراتب دسترسی در خانه‌های سنتی شوشتر

تجلی سلسله مراتب دسترسی			
محیط پیرامون	جلوخان	هشتی	حیاط
جداسازی بنا توسط دیوارهای اطراف.	عقب‌نشینی بنا نسبت به معبر؛ ایجاد فضای مکث و قلمرو؛	ایجاد فضای مکث (سلسله‌مراتب، حریمت)؛	جداسازی بنا به وسیله دیوارهای اطراف (درون‌گرایی)؛
فضای نیمه‌باز (ایوان به‌عنوان درگاه ورودی) - نیمه عمومی - نیمه خصوصی.	قرارگیری پله جهت رفتن به طبقه اول (مهمان)؛	ارتباط بصری و فیزیکی داخل و خارج و در نتیجه تقویت اصل شفافیت و سیالیت؛	ایجاد حریمی امن برای خانواده؛
	حالتی خوش‌آمدگو و آرامش بخشی؛	حیاط به‌عنوان فضایی واسط با فضاهای پیرامون خویش.	عدم شفافیت؛
	واسطه‌ای میان دنیای بیرون و درون.		
پله	سکو	ایوان	اتاق
آماده شدن جهت ورود به سکو.	دید مناسب به حیاط؛	حلقه واسط بیرون (طبیعت) و درون (اتاق)؛	خلوت؛
اختلاف ارتفاع نسبت به حیاط.	در ارتباط مستقیم با سکو و اتاق.	خصوصی‌تر نسبت به حیاط و ایوان و در ارتباط مستقیم با سکو و ایوان.	

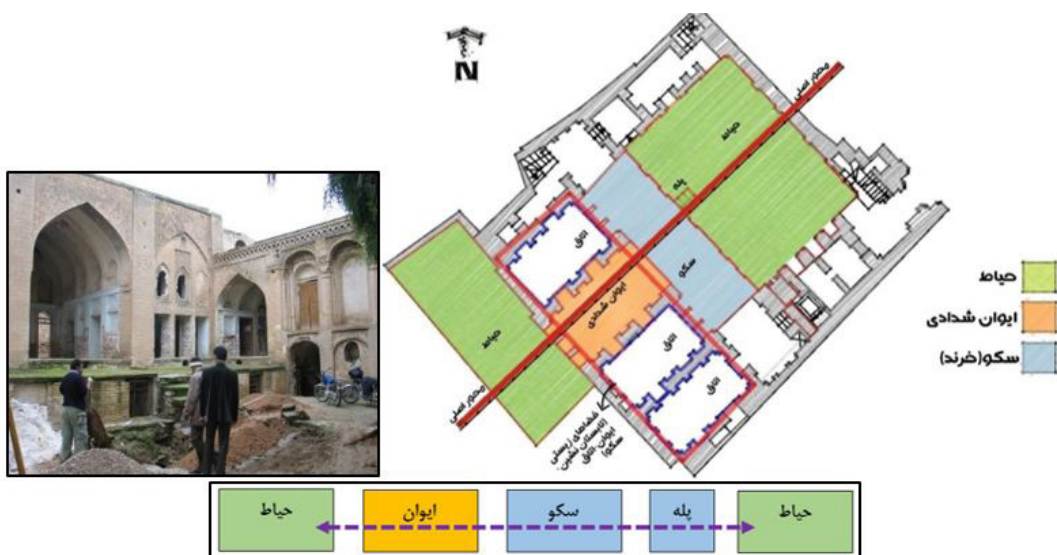
ایوان یا سکو قرار دارد. در مسکن سنتی شوشتر محور اصلی را عمدتاً فضاهای نیمه‌باز (ایوان شادای و سکو) تشکیل می‌دهند. طور مثال در خانه امین زاده و خانه گازر، در محور اصلی، هم سکو و هم ایوان قرار دارد که به‌عنوان یک فضای زندگی در روز و شب جایگاه ویژه‌ای دارد. سکو در این خانه‌ها، به دلیل اختلاف سطحی که نسبت به حیاط دارد از دید و منظر مناسب نسبت به حیاط برخوردار است. از ویژگی بارز سکوها عدم مسقف بودن آنهاست. ضمناً ابعاد این فضا به حدی است که یک خانواده می‌توانند در آن بنشینند و منظر حیاط را تماشا کنند و در شب‌های بهار و تابستان در آن بخوابند و آسمان را نظاره کنند. همان‌طور که گفته شد، علاوه بر وجود سکو، ایوان نیز در محور اصلی خانه قرار دارد که در آن ایوان در عمق قرار گرفته و ضلع بزرگ‌تر ایوان عمود بر حیاط باشد و ضلع کوچک‌تر مجاور آن، به‌این ترتیب قسمت عقب ایوان در عمق واقع شده و خنک‌تر بوده تا شرایط اقلیمی مناسبی را جهت استفاده ساکنین مهیا نماید (شکل ۱۴ و ۱۵).

دومین محور عرضی، موازی با نمای فرعی است و به‌طور کلی ورودی‌های اتاق در امتداد این محور قرار دارد. این محور و فضای موازی با آن، اهمیت کمتری نسبت به محور طولی دارد. در محور عرضی نیز در ابتدا و انتهای این محور فضاها با اهمیت کمتر نسبت به محور اصلی بنا همچون اتاق قرار دارد. خانه امین زاده، شامل دو محور عرضی است، محور اول که در دو سوی آن فضای واسطه‌ای (ایوانچه) که نقش راهرو را نیز بر عهده دارد و در ارتباط مستقیم با فضای سکو

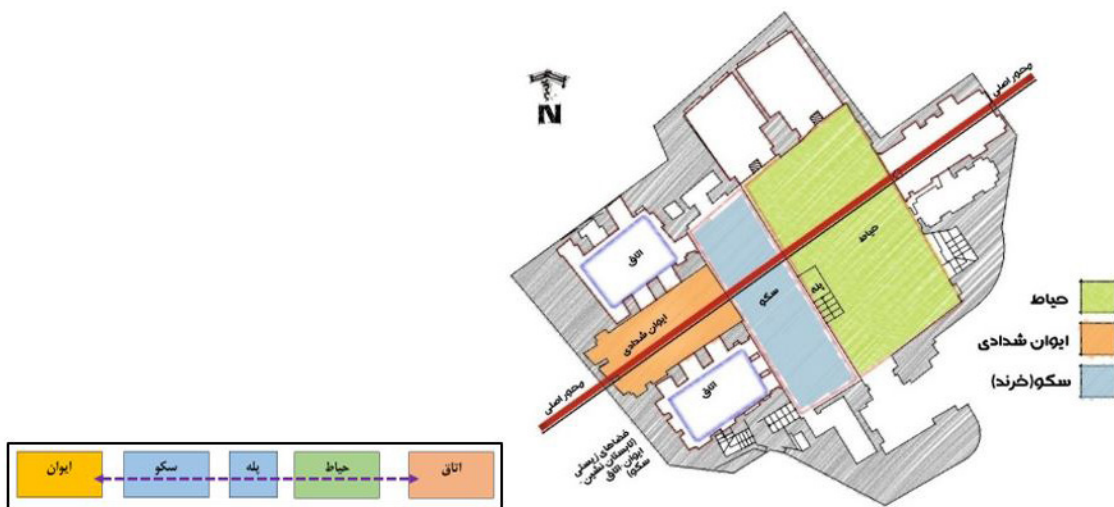
چند پله در ارتباط مستقیم با حیاط است که حداقل دو فضای باز، پله جهت آماده شدن و رفتن به فضایی دیگر قرار می‌گیرد (شکل ۱۱ و ۱۳) (جدول ۲).

جای‌گیری فضاهای اصلی و فرعی بر روی محورهای اصلی و فرعی

در مسکن سنتی فضاهای زندگی بر اساس قدر و اندازه و به تناسب زندگی که در آن رخ می‌دهد، در اطراف حیاط قرار گرفته‌اند. بر روی محور اصلی دانه‌هایی که زندگی جمعی و خانوادگی (از قبیل اجتماعات اهالی خانه یا میهمانان) در آن رخ می‌دهد، قرار می‌گیرد؛ بنابراین، تقسیمات درونی فضا به‌طور ذهنی بر اساس دو محور عمود بر هم مشخص می‌گردد و مکان قرارگیری افراد روی محورها و یا دو طرف محور به تناسب احترام و سن افراد مشخص می‌شود همچنین این ترتیب و اولویت‌بندی در هنگام خواب و قرارگیری اطراف سفره هم رعایت می‌گردد. «نظام فضایی محوری در اطراف یک محور افقی شکل پذیرفته است. در نظام فضایی محوری، مرکز چون نقطه‌ای متحرک و پویا، در مسیری مشخص حرکت می‌کند و مجموعه‌ای از فضاها یا مراکز مختلف را در امتداد خود انسجام می‌بخشد» (تقوایی، ۱۳۹۴). در شوشتر، فضاها بر اساس محورهای ترکیبی، تشکیل یافته از دو محور عمود بر هم سازمان‌دهی شده است. محور اول، محور اصلی طولی است که به‌صورت عمود بر جبهه اصلی حیاط مرکزی و فضای



شکل ۱۴. نمایش فضاهای اصلی بر روی محور اصلی - پلان و تصویر خانه امین زاده شوشتر



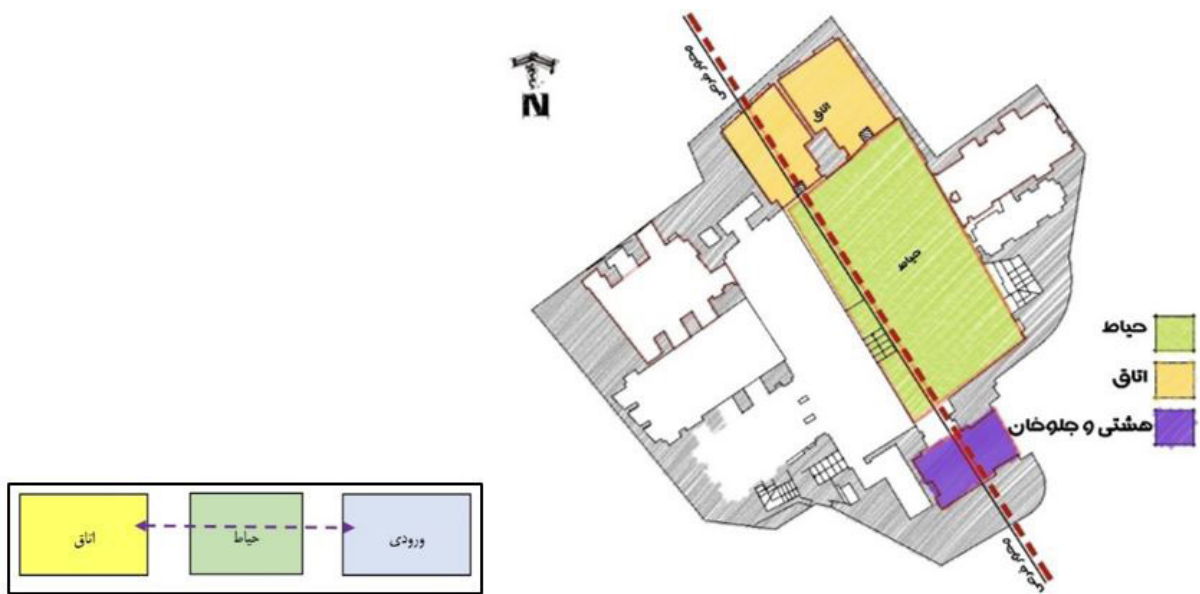
شکل ۱۵. نمایش فضاهای اصلی بر روی محور اصلی - پلان خانه گازر شوشتر

جای‌گیری فضای غلام‌گردش^۲ (غلووم گرنش) در دو سوی محوره‌های اصلی و فرعی تفکر بینابینی ابتدا از اعتقاد به سلسله‌مراتبی بودن جهان هستی و سپس، وجود حلقه‌های واسط میان مراتب مختلف سرچشمه می‌گیرد. در معماری ایرانی، «فضای بینابینی نیمه‌باز را می‌توان فضایی دانست که هم به لحاظ صوری و هم مفهومی نقطه‌گذار از زمین به آسمان

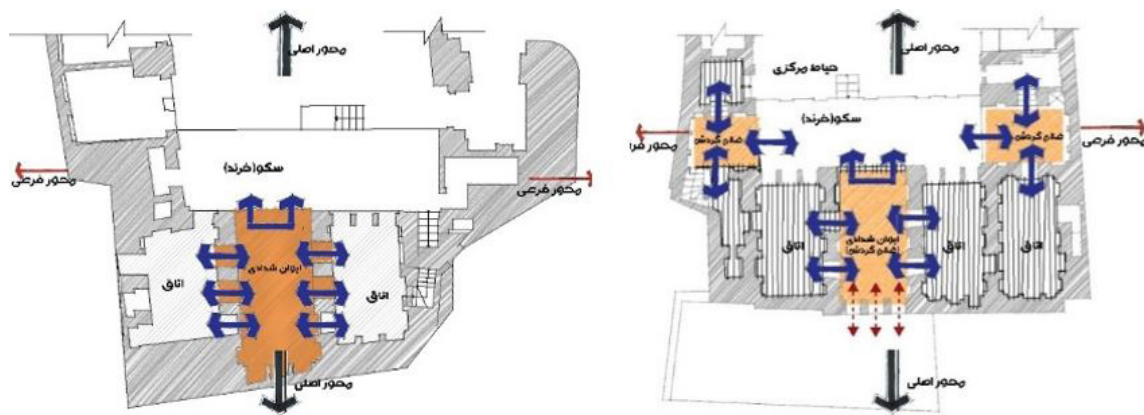
است. محور دوم نیز در دو سوی حیاط قرار دارد که شامل فضای زیستی (اتاق) است. لازم به ذکر است که فضای مهمان در امتداد همین محور و در بالاخانه (طبقه اول) شکل گرفته که دسترسی به آن، از طریق راه‌پله هشتی ورودی، امکان‌پذیر است. لازم به ذکر است که محور عرضی در خانه گازر نیز همانند خانه امین زاده، در دو سوی حیاط و شامل فضای زیستی (اتاق) است (شکل ۱۷ و ۱۶).



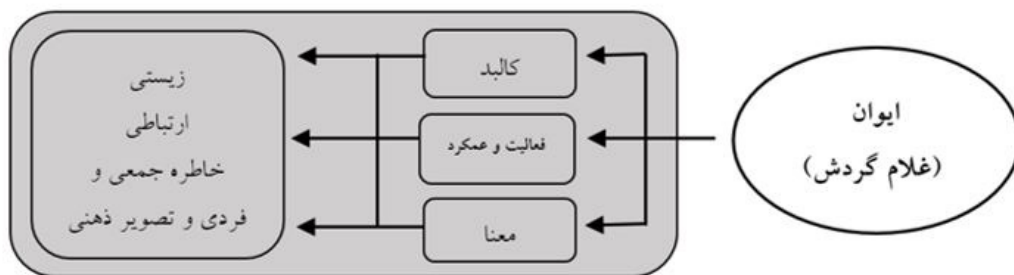
شکل ۱۶. نمایش فضاهای فرعی بر روی محور فرعی - پلان خانه امین زاده شوستر



شکل ۱۷. نمایش فضاهای فرعی بر روی محور فرعی - پلان خانه گازر شوستر



شکل ۱۸. الگوی غلام‌گردش و ایوان به‌عنوان فضای ارتباطی - سمت راست: پلان خانه امین زاده، سمت چپ: پلان خانه گازر



شکل ۱۹. مدل پیشنهادی شده عوامل تأثیرگذار بر ایوان در خانه‌های شوشتر

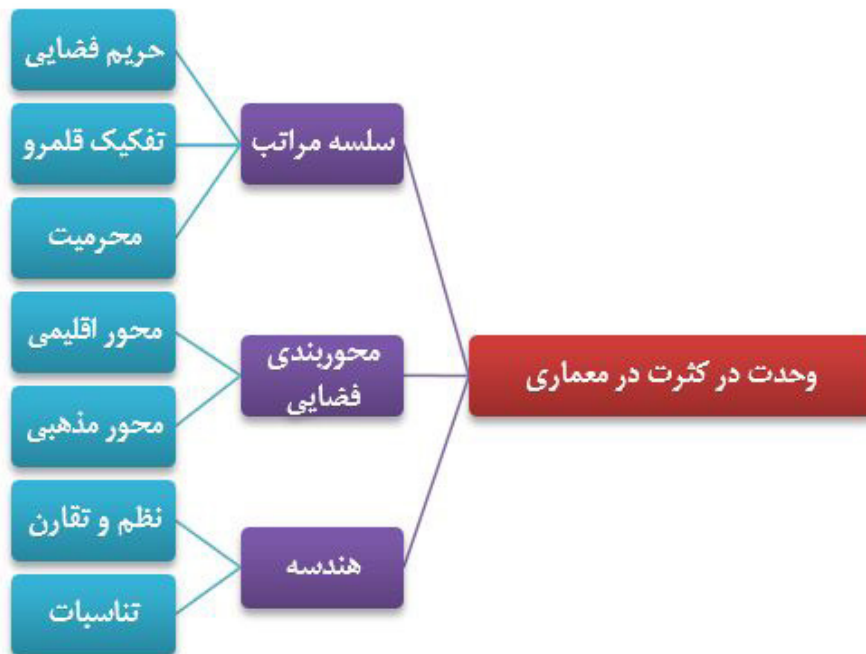
بر این اساس می‌توان، فضای غلام‌گردش در خانه‌های شوشتر را در سه قالب دسته‌بندی کرد: ویژگی‌های کالبدی، کارکردی - ارتباطی و معنایی. به‌طور مثال، ایوان خانه‌های امین زاده و گازر هم به‌وسیله عناصر و اجزاء، دلالت بر تعیین مرزها دارد و فضایی را محصور می‌کند، هم فضایی است واسط میان اتاق و سکوه که امکان ارتباط و اتصال با بیرون را فراهم می‌کند و هم درون آن، کانون تمرکز معنا می‌شود. پس این فضا، به‌عنوان تفکیک‌کننده، ارتباط‌دهنده، اتصال‌دهنده از طریق حوزه انتقالی در سازمان فضایی دخالت می‌کند. این تأثیر از طریق تعیین اجزاء و عناصر سازنده، الگوی ارتباط و نظم حاکم بر روابط در قالب برخی اصول سازمان دهنده از جمله سلسله‌مراتب فضایی انجام می‌پذیرد (شکل ۱۹).

است «(اردلان و بختیار، ۱۳۸۰). در خانه‌های شوشتر اتاق‌ها و ایوان‌ها غالباً در مجاورت هم قرار می‌گیرند. در این خانه‌ها بین اتاق و ایوان، فضای ارتباطی (غلام‌گردش) قرار داشته که در سیر تحول مسکن حذف‌شده و اتاق‌ها و ایوان مجاور هم شده‌اند. در خانه‌های گازر و امین زاده دسترسی به اتاق‌ها از طریق ایوان صورت می‌گیرد و بدین ترتیب ایوان هم خاصیتی ارتباطی دارد و هم خاصیتی زیستی. با توجه به مطالب ذکرشده، درب ورودی به اتاق‌ها به فضای ایوان باز می‌شود که در مواقع برگزاری مراسم بزرگ، امکان ترکیب این فضاها با ایوان به‌عنوان یک فضای مرکزی وجود دارد؛ که این خود، عاملی جهت بسط فضایی می‌گردد. ضمناً دو ایوانچه (غلام‌گردش) در دو سوی محور عرضی خانه امین زاده، ارتباط با فضای اتاق و انبار را فراهم می‌کند (شکل ۱۸).

نتیجه‌گیری

است که سبب گشته در محور اصلی بنا گوناگونی فضاهای اقلیمی که در ارتباط مستقیم با طبیعت (حیاط و سکو) و در ارتباط غیرمستقیم با طبیعت (ایوان) باشند، به وجود آید. با توجه به این نکته، می‌توان این‌گونه بیان کرد که اقلیم، (تک لایه بودن بنا جهت کوران طبیعی هوا) از خصوصیات بارز محور اصلی خانه‌های شوشتر بوده که سبب گشته ایوان به‌عنوان یک فضا با عملکردهای گوناگون از جمله اقلیمی، زیستی و ارتباطی مطرح گردد. این عامل گرمایی سبب حذف تالار پشت ایوان و قرارگیری ایوان به‌صورت عنصر اصلی خانه، در راستای این محور گشته است؛ بنابراین فضاهای سرپوشیده (ایوان) در محور اصلی، هم‌زمان و هم‌مکان، هم حریم بیرون و درون و هم مفصل و محل اتصال فضاهای باز (طبیعت) با فضاهای بسته هستند و از امکان ترکیب با هر دو فضای باز و بسته برخوردارند. نکته دیگر سلسله‌مراتب دسترسی در محور اصلی خانه‌های شوشتر که با کمی تفاوت با دیگر خانه‌های سنتی است. این مدل سلسله‌مراتب نیز تحت تأثیر اقلیم است تا بتوان بیشتر در ارتباط مستقیم با طبیعت بود تا از جهات وزش باد، تابش خورشید، نظم فصول، آب و... برای ایجاد آسایش بهره برد. علاوه بر جهت اقلیمی، جهت معنوی نیز بر این خانه‌ها تأثیر گذار است. به‌طوری‌که محور اصلی بناها بر جهت قبله قرار می‌گیرند و این بر نظم فضایی می‌افزاید که سبب یک‌جهت واحد و هماهنگ می‌شود و همه

سازمان‌دهی فضایی خانه‌های ایرانی-اسلامی ارتباط چندجانبه فضاها با یکدیگر است. بر اساس چنین شیوه‌ای از تعریف و ترکیب فضا، امکان تجربه‌های گوناگون برای حضور آدمی فراهم می‌شده است. اصل وحدت مهم‌ترین اصل در معماری ایرانی-اسلامی است که آن را می‌توان بازتاب تولید وحدت در سازمان فضایی خانه‌های سنتی دانست. این اصل دربرگیرنده سلسله‌مراتب فضایی، محوربندی فضایی (مذهبی و اقلیمی) و هندسه فضایی است که سبب آفرینش وحدت در سازمان فضایی خانه‌های سنتی از جمله خانه‌های شوشتر می‌گردد. در این راستا برای رسیدن به نظم فضایی، با کمک محورهای افقی (طولی و عرضی) سبب ایجاد دو وجه (مادی و معنوی) می‌گردد. می‌توان این‌گونه بیان کرد که هر فضایی که به وجود آید باید از وحدت فضایی و هماهنگی اجزاء مطابق با دو وجه مذکور پدید آمده باشد (شکل ۲۰). در سازمان فضایی این خانه‌ها، دو محور عمود بر هم در حیاط، عامل اصلی جای‌گیری عناصر اطراف نسبت به آن است. در این خانه‌ها معمولاً محور شمال شرقی به جنب غربی (در راستای محور اقلیمی) مهم‌ترین محور است و اصلی‌ترین فضا (ایوان) در راستای این محور و اتاق‌ها در طرفین ایوان جای گرفته‌اند. بدین سبب، عامل گرمایی یکی از عوامل شکل‌گیری فضاها در سازمان فضایی خانه‌های شوشتر



شکل ۲۰. معیارهای وحدت در کثرت در شکل‌گیری خانه‌های سنتی شوشتر

۸ تقوایی، ویدا. (۱۳۹۴). *از مبانی نظری تا مبانی نظری در هنر و معماری*. (چاپ اول). تهران: دانشگاه فنی و حرفه‌ای.

۹. تقوایی، ویدا. (۱۳۸۶). *نظام فضایی پنهان معماری ایرانی و ساختار آن*. نشریه هنرهای زیبا، ۳۰، ۴۳-۵۲.

۱۰. تقوایی، ویدا. (۱۳۸۵). *بازخوانی مراتب وجودی معماری؛ با رجوع به هندسه زیبایی، در معماری صفوی، پایان‌نامه دکتری معماری، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، تهران*.

۱۱. جعفری، محمدتقی. (۱۳۹۰). *زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام*. (چاپ هفتم). تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

۱۲. حسن‌زاده آملی، حسن. (۱۳۷۷). *یازده رساله فارسی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۳. حائری یزدی، مهدی. (۱۳۶۰). *هرم هستی، تحلیلی از مبادی هستی‌شناسی تطبیقی*. تهران: مرکز ایرانی مطالعه و فرهنگ‌ها.

۱۴. حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۷۵). *طراحی مسکن امروزی و اصول معماری خانه‌های سنتی*. مجله آبادی، ۲۳، ۱۹-۲۸.

۱۵. حائری مازندرانی، محمدرضا. (۱۳۸۸). *نقش فضا در معماری ایران، هفت گفتار درباره زبان و توان معماری ایرانی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

۱۶. رئیس سمعی، محمدمهدی. (۱۳۸۴). *نظریه مراتب وجود و تاویل آن در معماری، پایان‌نامه دکتری معماری، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی، تهران*.

۱۷. شریعتی، علی. (۱۳۸۸). *اسلام‌شناسی ۱*. (چاپ هفتم). تهران: انتشارات قلم.

۱۸. صدر المتالهین. (۱۳۵۳). *اسفار*. (جواد مصلح، نگارش). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۹. طاهباز، منصوره. (۱۳۹۲). *دانش اقلیمی طراحی معماری*. (چاپ اول). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۲۰. طباطبایی، علامه سید محمدحسین. (۱۳۷۹). *ترجمه و شرح نهایی الحکمه*. (نعلی شیروانی، نگارش). تهران: الزهرا (س).

۲۱. فلامکی، محمد منصور. (۱۳۹۱). *اصل‌ها و خوانش‌ها در معماری ایرانی*. تهران: مؤسسه علمی و فرهنگی فضا.

۲۲. گنون، رنه؛ لینگز، مارتین؛ و بورکهارت، تیتوس. (۱۳۸۶). *هرمس و زبان مرغان*. (امین اصلانی، مترجم). تهران: جیحون.

۲۳. گنون، رنه. (۱۳۷۴). *مفهوم سنتی هنر*. (سید ضیاءالدین دهشیری، مترجم). فصلنامه هنر، ۲۹، ۴۷-۵۲.

۲۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۹). *مقالات فلسفی*. (ج سوم). تهران: حکمت.

۲۵. معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۴). *سیری در مبانی نظری معماری*. تهران: انتشارات سروش دانش.

سازمان فضایی بنا را حول یک محور خود شکل می‌دهد. ورودی‌ها، ایوان‌ها، سکوها و اتاق‌ها بر حول این محور ارزش‌گذاری می‌شود و باعث آفرینش و بازتولید وحدت و کلیت دوباره سازمان فضایی جدید می‌گردد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آینده به بررسی نظام فضایی مرکزی در سازمان فضایی خانه‌های سنتی و چگونگی تأثیر نور بر شکل‌گیری فضاها، باز، نیمه‌باز و بسته، حول محور اصلی خانه و به نقش آن در نحوه چیدمان فضاها در سازمان فضایی خانه‌های امروزی پرداخته شود تا بدین ترتیب، معیارهای حاصل از این پژوهش‌ها، گامی مؤثر در تدوین ضوابط و راهنمای طراحی معماری مسکن شوشتر باشد.

۱-۱ پی‌نوشت‌ها

۱. ایوان شدادی: شداد به معنی مرتفع و بلند. در شوشتر به ایوانی که در جبهه جنوبی قرار می‌گیرد ایوان شدادی گفته می‌شود. (ایوان بلند و رفیع)، رجوع کنید به نیرومند، ۲۵۳۵: ۲۷۳.
۲. غلوم گرنش: راهروهای ساختمان که خدمتکار در آنها تردد و رفت‌وآمد دارد. همچنین به راهروی دو طرف ایوان نیز غلوم گرنش می‌گویند، رجوع کنید به نیرومند، ۲۵۳۵: ۳۲۱.

۱-۲ فهرست مراجع

۱. اردلان، نادر؛ و بختیار، لاله. (۱۳۸۰). *حس وحدت*. (حمید شاهرخ، مترجم). تهران: انتشارات نشر.
۲. الهی قمشه‌ای، محیی‌الدین مهدی. (۱۳۶۳). *حکمت الهی عام و خاص*. تهران: انتشارات اسلامی.
۳. امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۰). *شرح چهل حدیث*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. اهری، زهرا؛ و امینی جدید، شهلا. (۱۳۷۱). *الگوی ساخت مسکن در شهرهای خوزستان: دزفول، اهواز، خرمشهر*. تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
۵. بلخاری قهی، حسن. (۱۳۹۰). *مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، سوره مهر.
۶. بورکهارت، تیتوس. (۱۳۸۶). *مبانی هنر اسلامی*. (امیر منصوری، مترجم). تهران: نشر حقیقت.
۷. بورکهارت، تیتوس. (۱۳۹۲). *هنر اسلامی زبان و بیان*. (مسعود رجب نیا، مترجم). (چاپ دوم). تهران: سروش.

۲۶. نصر، سید حسین. (۱۳۷۵). هنر و معنویت اسلامی. (رحیم قاسمیان، مترجم). تهران: حوزه هنری.
۲۷. نصر، سید حسین. (۱۳۷۹). انسان - طبیعت. (عبدالرحیم گواهی، مترجم). انتشارات نشر فرهنگ اسلامی. تهران.
۲۸. نقی زاده، محمد. (۱۳۸۲). ویژگی‌ها و مبانی زیبایی در هنر اسلامی ایران. نامه فرهنگستان علوم، ۲۰، ۳۳-۶۸.
۲۹. ندیمی، هادی. (۱۳۷۸). حقیقت نقش. نامه فرهنگستان علوم، ۱۵(۱۴)، ۱۹-۳۴.
۳۰. نقره‌کار، عبدالحمید. (۱۳۸۷). درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر معماری و طراحی شهری: شرکت طرح و نشر پیام سیما.
۳۱. نوایی، کامبیز؛ و حاجی قاسمی، کامبیز. (۱۳۹۰). خشت و خیال. تهران: سروش.
۳۲. نیرومند، محمدباقر. (۱۳۵۵). واژه‌نامه‌ای از گویش شوشتری. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان ایران.

Spatial Orientation of the Manifestation of Unity in Multiplicity in the Architecture of Traditional Houses in Shoushtar (Case study: Aminzadeh House and Gazor House)

*Alireza Taghizadeh**, Ph.D. Candidate in Architecture, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

Vida Taghvaei, Ph.D., Associate Professor, Shariati vocational college, Tehran, Iran.

Abstract

One of the main trends of Iranian-Islamic architecture is unity in multiplicity that can be defined clearly in traditional houses in the particular relation between the part and the whole. In the Iranian-Islamic architecture, each element, form or space can be understood in isolation, or in combination as a concept. This is clearly reflected on the spatial organization of the Iranian houses as the principle of spatial orientation, which has been revealed in different ways in the architecture of the traditional houses in Shoushtar.

The purpose of this research is to investigate the manifestation of unity in multiplicity in architecture that plays an effective role in creating the harmony between the fabric and meaning in the spatial organization of the houses in Shoushtar.

This research has been conducted in two domains: the first covers the related topics of Islamic theoretical foundations such as the principle of unity, and the second includes the criteria and indices of spatial orientation in the spatial organization of the architecture of the houses in Shoushtar. The research has employed a mixed method with a qualitative approach which uses content analysis to systematically analyze texts and writings. In this way, library research has been used for collecting theoretical data. Accordingly, concepts such as the spatial orientation of the manifestation of unity principle have been analyzed as the theoretical basis of the research. In the second domain, the architecture of the houses in Shoushtar, including Aminzadeh House and Gazor House has been explained and analyzed in a table according to the theoretical foundations of the research, such as the spatial orientation.

The results show that the single layer structure of the houses as the thermal element has been one of the main features of the main axis of the houses in Shoushtar, which has led to the presentation of a Shadadi Iwan as a space with various climatic, biological and communicational functions along the main axis of the house. Therefore, it is suggested that the future studies consider the central spatial system in the spatial organization of the traditional houses and the effect of light on the formation of open, semi-open and closed spaces around the main axis of the houses and its role in the way of space arrangement in the spatial organization of the modern houses so that the criteria derived from these studies would affect the development of the rules and guidelines for the design of house architecture in Shoushtar.

Keywords: Unity principle, Unity in plurality, Spatial orientation, Shoushtar Houses.

* Corresponding Author: Email: Ali_taghizadeh65@yahoo.com